

## مازیار فلاح پور

### رویائی دریائی

تقدیر حماسه می کرد

بات اگر

بی بایی آب

با من بود و

شعر

واژه می کرد

با آب

من تاریکم،

من، حماسه ی سیاه و مدیترانه گشتم

و در مدیترانه

سفر سیاه

گشتم

سیاح مدیترانه ی سیاه

سیاه گشتم

با من آب

با و الف

از الفبا بر می داشت و

تای تاریک بر سر

تای تلف

من طفیلی ذره های آب

سیاح مدیترانه و سیاه مدیترانه!

پرسه در حریم آب

در هرز روی هاش و

پروای زهر دهانش

رویای تو

آب بود و

من

با

بایی آب

بات اگر آب

تقدیر حماسه می کرد و با من شعر

تکوین واژه می کرد